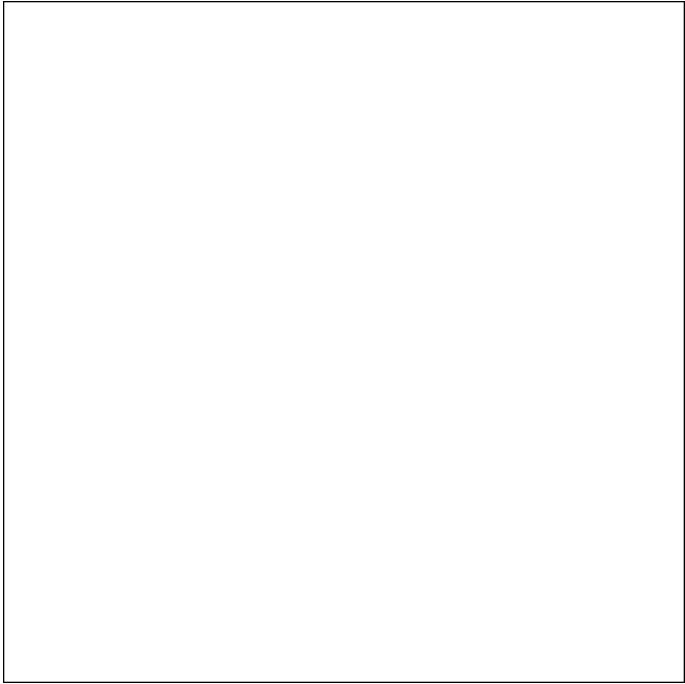


دنيا سنڌي ڪتابن جي ڳولڻ لاءِ



✎ Ursula Nafula

✉ Jesse Pieterse

📧 Marzieh Mohammadian Haghighi!

|| 2

🗨️ فارسي Fa



Global Storybooks

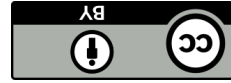
globalstorybooks.net

دنيا سنڌي ڪتابن جي ڳولڻ لاءِ

✎ Ursula Nafula

✉ Jesse Pieterse

📧 Marzieh Mohammadian Haghighi!



This work is licensed under a Creative Commons

[Attribution 4.0 International License.](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0)

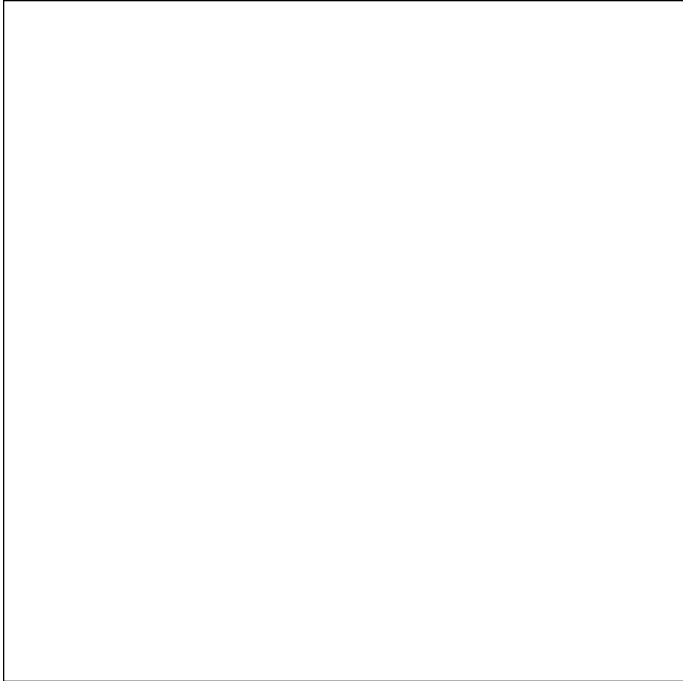
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>





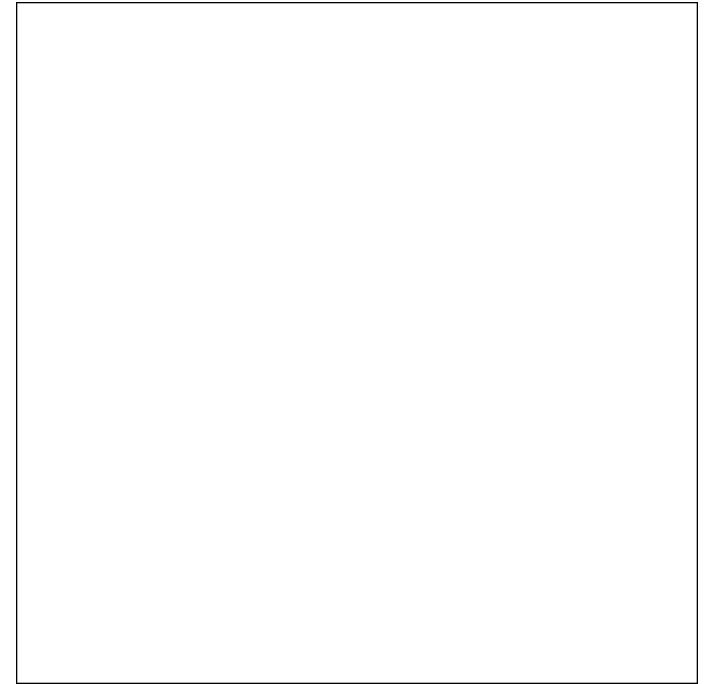
این کلای است. او هفت سال سن دارد. در
زبان لوباکوسو که زبان او می باشد معنای
إسمش - دخترِ خوب - است.

۱. هَبْ خُوجَ كَه رَسْتَه كِه اِيْتِ
 ۲. هَبْ كِه رَسْتَه كِه اِيْتِ
 ۳. رَجْتِ اِيْتِ مِ كِه رَجْتِ
 ۴. اِيْتِ مِ رَجْتِ اِيْتِ





کلای تا مدرسه راه می‌رود. در راه با علف
ها صحبت می‌کند. علف‌ها، لطفاً بیشتر
رشد کنید و سبز شوید و خشک نشوید.

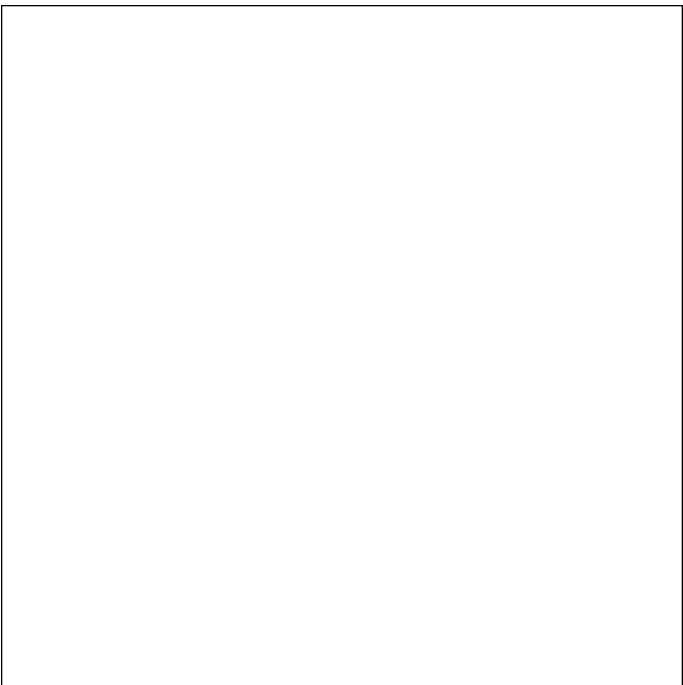


کلای آهی کشید و گفت، “پرتقال‌ها هنوز
سبز هستند.” کلای گفت، “فردا تو را
خواهم دید درخت پرتقال.” “شاید بعد
تویک پرتقال رسیده برای من داشته
باشی!”

وقتی کلاهی از مدرسه به خانه برگشت،
 درخت تریقال را دید. کلاهی پرسید، «آیا
 تریقال هست؟»

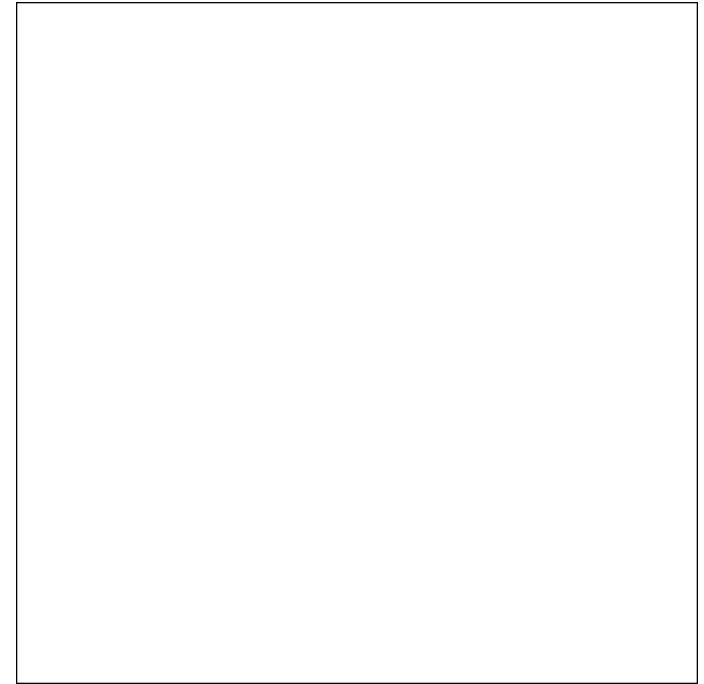


کلاهی از کنار گل‌های وحشی را می‌شنود.
 کلاهی وحشی‌ها را می‌شنود و کلاهی
 وحشی‌ها را می‌شنود.





در مدرسه، کلاهی با یرختی که در وسطِ
حیات بود صحبت کرد. “یرخت لطفاً، شاخه
های بزرگ برویان تا ما بتوانیم زیر سایه‌ی
تو درس بخوانیم.”



کلاهی با حصارِ اطرافِ مدرسه صحبت
می‌کند. “لطفاً محکم و قوی رشد کن و
چلوی وارد شدنِ افرادِ بد را بگیر.”